

چرا سرمایه‌داری با خانواده مخالف است؟

مقایسه جایگاه خانواده در نظام سرمایه‌داری و نظام اسلامی

گفتگو با حجت الاسلام صدوق

اشاره

ما از یک سو بر طبل تحصیل و اشتغال زنان می‌کوبیم و از سوی دیگر شعار صیانت از کيان خانواده سر می‌دهیم. این که نمی‌توانیم نابودی خانواده را تحمل کنیم طبیعی است اما این که با سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی خود تیشه بر ریشه خانواده می‌زنیم نیز بی‌وجه نیست؛ چه شده است که ما علی‌رغم میل باطنی خود خانواده را در معرض خطر جدی قرار داده‌ایم. گفت‌وگوی پیش‌رو تحلیلی از مخالفت ذات نظام سرمایه‌داری با بنیان خانواده است که در آن، حجت الاسلام صدوق با نگاهی کلان و استراتژیک وضعیت خانواده در ایران را بر اساس این تعارض ذاتی تبیین می‌نمایند.

؟ خانواده در دنیای کنونی با بحران جدی مواجه است و تلاش برای نجات آن نتیجه نداده است. چرا این تلاش‌ها بی‌نتیجه مانده است؟

برای ارائه برنامه‌ی صحیحی در مورد خانواده باید از نگاه خرد، جزءنگرانه، رویبایی و سطحی احتراز کرد. راه‌حل‌های مرسوم می‌شود، همگی در فضای پذیرش حاکمیت نظام سلاطه‌ی سرمایه تعریف شده است. و در صورت اثربخش بودن صرفاً قادر به اصلاح جزئی، موضعی، کوتاه مدت و رویبایی است. ممکن است جمع محدودی را برای مدت کوتاهی نجات دهد اما مشکل در مورد اکثریت همچنان باقی است.

در یک نگاه کلی و کلان ابتدا باید ببینیم که خانواده در نظام سرمایه‌داری چه جایگاه و تعریف و کارکردی دارد، تا معلوم شود چرا تلاشهایی که اکنون برای حفظ خانواده صورت می‌گیرد موضعی و ناکارآمد است.

در یک مثال بسیار ابتدایی نظام سرمایه‌داری را به یک پیکر تشبیه می‌کنیم. در این پیکر شرکت‌ها نقش سلول را دارند. سلول در همه‌جای بدن هست. امروزه در غرب همه‌جا شرکت‌ها حضور دارند. شرکت بر مبنای سود مالی فعالیت می‌کند و ما مشاهده می‌کنیم امور فرهنگی و حتی امور امنیتی نیز به شرکت‌های خصوصی واگذار می‌شود و شرکت‌ها با محاسبه سود و زیان این دست امور را هم بر عهده دارند. اخیراً در خبرها دیدیم که مسائل امنیتی در عراق را به یک شرکت خصوصی واگذار کرده‌اند

و بازنشسته‌های سازمان‌های اطلاعاتی را در آن به کار گرفته‌اند تا به لحاظ اقتصادی برایشان صرفه داشته باشد.

حضور شرکت در پیکر نظام سرمایه‌داری به عنوان سلول نشان دهنده‌ی محوریت تعریف اقتصادی و سود و زیان مادی در همه‌ی عرصه‌هاست. بانک‌ها به عنوان اندام این پیکر تأمین کننده‌ی عقلانیت این نظام هستند. جمع شرکت‌ها و روابط آن‌ها در قالب بانک اندام را شکل می‌دهد.

ممکن است سوال شود که بنا بر نشان دادن جایگاه خانواده در نظام سرمایه‌داری بود، اما در اینجا هیچ اشاره‌ای به خانواده نشد! آری در نظام سرمایه‌داری خانواده به صورت ساختاری تعریف نشده است و جایگاهی ندارد. تبیین موضوع بسیار مفصل است. خانواده در بهترین شکل محل تولید نیروی کار است که البته با توضیحی که داده خواهد شد روشن می‌شود که چنین جایگاهی برای خانواده نیز با سایر اجزای نظام سرمایه‌داری هماهنگ نیست و به لحاظ هزینه تولید نیروی انسانی در خانواده مقرون به صرفه نیست و نیروی انسانی از طریق دیگر و با هزینه‌ی کمتر قابل تولید است. اکنون در صد بالایی از فرزندان آمریکا تک والدینی هستند. کاملاً رسمیت دارند و در شناسنامه قید می‌شود که این فرد پدرش نامشخص است. هیچ قبحی هم ندارد. عقلانیت سرمایه‌داری چنین چیزی را می‌پذیرد.

دو نگاه

خانواده به معنای رابطه‌ی غریزی نیز در الگوی رایج سرمایه‌داری که ما نیز از آن تبعیت می‌کنیم جایگاهی ندارد

کامل تحت برنامه قرار می‌گیرد. پس از آن در مهدکودک، آمادگی و آموزش عمومی برای نظام سرمایه‌داری تعلیم داده می‌شود. از همان ابتدا آموزش‌های لازم جهت ایفای نقش در چنین نظامی انجام می‌گیرد. پس از آن باید وارد آموزش عالی شوند و تخصص لازم را پیدا کنند. و بعد از آن وارد بازار کار می‌شوند. تفاوتی نیز میان زن و مرد وجود ندارد. حال با این برنامه‌ریزی سن ازدواج با بلوغ طبیعی به طور متوسط هشت سال اختلاف دارد. بسته به این که با چه سطحی از تحصیلات فرد وارد بازار کار شود، سن ازدواج متفاوت می‌شود. این سالیان محرومیت جنسی از طریق فحشا جبران می‌شود. و جامعه به فحشا عادت می‌کند.

در کنار این برنامه‌ریزی و عادت به فحشا از رهگذر این برنامه باید به مولفه‌های دیگر نیز توجه کرد. بر اساس سطح رفاهی که مورد ترویج قرار می‌گیرد هزینه زندگی بسیار بالاست. انتظارات زن و مرد، هر یک سطحی دارد که رفته‌رفته بالاتر هم می‌رود. عقلانیت جامعه نیز بر اساس محاسبه مادی شکل داده شده است. و ربا نیز محور مناسبات اقتصادی جامعه است. در چنین شرایطی عقل محاسبه‌گر مادی به درستی تشخیص می‌دهد که تأمین نیاز عاطفی و جنسی در بازار آزاد بسیار به صرفه‌تر از الگوی ازدواج است. در شرایطی که فحشا نیز تبدیل به عادت شده است چرا باید تن به ازدواج داد؟ برای همین است که مشاهده می‌شود سن ازدواج در آمریکا از سی سال به بالا است. ازدواج در آن مرحله نیز یک محاسبه‌ی اقتصادی است؛ چرا که موجب سرشکن شدن هزینه‌ها می‌شود. به جای دو سقف هزینه یک سقف را می‌پردازند و در موارد دیگر به همین شکل. برای همین پیوند ازدواج به معنای واقعی وجود ندارد؛ بلکه زندگی کردن دو موجود به صورت مشترک و با هزینه‌ی مشترک است و از این رو تفاوتی هم نمی‌کند که این دو هم جنس باشند یا غیر هم جنس. اصولاً در این مورد تعمدی هم وجود دارد که بر رسمیت هم جنس‌بازی تأکید شود و افرادی از این گروه‌ها را در مناصب خاص حکومتی نیز منصوب کنند. و این موضوعی است که در تاریخ جز در یک مورد سابقه ندارد و اگر هم مواردی بوده است به عنوان یک عمل خلاف و قاچاق بوده نه به عنوان یک عمل مقبول و پسندیده. بنابر این ملاحظه می‌شود که خانواده در نظام سرمایه‌داری از جهات متعدد نفی می‌شود.

۳ برای روشن شدن موضوع بفرمایید که خانواده در نظام اسلامی چه جایگاه و تعریفی دارد؟

دستگاه انبیاء که برای اقامه توحید و عبودیت شکل می‌گیرد، اخلاق محور است و خانواده نیز ذیل چنین دستگاهی تعریف خاص خود را می‌یابد. در مثالی که گفته شد خانواده نقش سلول را بر عهده دارد که محل تولید خلق است. این سلول‌ها در قالب مساجد و هیئات تبدیل به اندام می‌شوند. دستگاه فقه حکومتی و اخلاق حکومتی نقش مغز را بر عهده دارد و دستگاه ولایت نقش قلب را بر عهده دارد که اخلاق را در این پیکر می‌دمد. بنابراین در مقایسه نظام سرمایه با نظام اسلامی خانواده معادل شرکت، مسجد معادل بانک، حوزه معادل سازمان برنامه و بودجه و دستگاه ولایت معادل بانک مرکزی است. نظام اسلامی اخلاق محور و نظام سرمایه‌داری سودمحور است. به این ترتیب مشخص می‌شود که در نظام اسلامی خانواده چه جایگاهی دارد.

۴ در مورد جامعه کتونی خودمان وضع به چه صورتی است؟ در اینجا ما بعد از انقلاب اسلامی از تبعد نسبت به نظام سیاسی

غرب خارج شدیم و ولایت الهی در سیاست را جایگزین ساختیم. اما از ولایت علمی غرب هنوز خارج نشده‌ایم. سال‌های نخست انقلاب به مدد فضای حاکمیت شور انقلابی و رونق آرمان‌ها و نیز متأثر از فضای خاص دفاع مقدس نسبت به تبعیت از غرب در علم و تمدن وقفه‌ای داشتیم. اما پس از آن به مدل‌ها و روش‌های غربی بازگشتیم. و در اداره جامعه سلطه‌ی نظام سرمایه‌داری را در شئون مختلف پذیرفتیم.



۴ با توضیح قبل

مشخص شد که خانواده در ساختار نظام سرمایه‌داری تعریف نشده است. نظام سرمایه‌داری در برنامه‌ریزی اجتماعی در قبال خانواده چه رفتار و موضعی دارد؟ و چه اقتضائاتی را برای خانواده ایجاد می‌کند؟

نظام سرمایه‌داری بر اساس اهدافی که دارد کودک را از بدو تولد ذیل استانداردهای خاصی رشد می‌دهد. و رفته‌رفته کودک از همان بدو تولد به طور

عمل ازدواج موقت در حال اجراست.

دین با شناخت طبیعت زن و مرد تمکین را مطرح ساخته است. مرد هرگاه که احساس نیاز کند باید تأمین شود. اگر چنین نباشد فساد رایج می‌شود. رواج غذافروشی‌ها در مناطق مختلف مسکونی نشان دهنده این است که در خانه‌ها غذا کمتر پخته می‌شود. هرگاه در خانه غذا پخته نشود به صورت طبیعی غذا فروشی‌ها رونق می‌گیرد. در مورد مسائل جنسی نیز همین‌طور است. عدم تمکین و ارضا در خانواده موجب بروز فساد می‌شود. به این ترتیب خانواده به معنای رابطه‌ی غریزی نیز در الگوی رایج سرمایه‌داری که ما نیز از آن تبعیت می‌کنیم جایگاهی ندارد چه رسد به خانواده با تعریف اسلامی به عنوان محل تولید اخلاق.

۴ با این توضیحات بحث از خانواده چه جایگاهی می‌یابد؟

تا زمانی که ما نسبت خود را با بانک مشخص نسازیم و در عرصه اقتصاد وضعیت خود را اصلاح نکنیم سخن گفتن از اصلاح وضعیت خانواده موردی و جزئی و روبنایی خواهد بود. ربا اخلاق بانک‌داری است و فحشا نتیجه ربا. کارهایی که اکنون در مورد خانواده انجام می‌شود مانند جمع کردن برگ‌های مسموم یک جنگل مسموم است. با جمع کردن برگ‌ها ممکن است چند نفری را نجات بدهیم اما جنگل همچنان مسموم است و برگ‌ها هر ساله می‌ریزند. باید نشست و منشأ مسمومیت را یافت. اگر مسمومیت از چشمه‌ای است که آبش به جنگل می‌رسد آنجا را علاج کرد. ما باید ابتدا برنامه‌ای برای رهایی از سلطه اقتصادی نظام سرمایه‌داری داشته باشیم و از ساختار نظام سرمایه‌داری نجات یابیم. آنگاه اصلاح خانواده به صورت بنیادین ممکن خواهد بود. البته این بدان معنی نیست که تا زمان خروج از سلطه اقتصادی غرب در مورد خانواده نباید کاری کرد. اما ذیل برنامه‌ای که برای مقابله با سرمایه‌داری اجرا می‌شود، برنامه‌ها در مورد خانواده نیز مشخص خواهد شد.

۴ خانواده مطلوب از نظر دینی چه مختصاتی دارد؟

یک انتقاد به کار شما این است که می‌خواهید آب یک رودخانه را در یک فنجان جای بدهید. بحث خانواده بحث بسیار مفصلی است که برای بیان مباحث اصلی آن نیاز به تشکیل یک دوره‌ی دکتری است تا پس از آن پژوهش‌ها آغاز شود. گنجاندن مباحث خانواده در مجله نشدنی است. با این توضیح صرفاً در حد بیان عنوان باید گفت که از خانواده در دو سطح می‌توان سخن گفت. یکی قبل از ظهور و در دوران مبارزه و دیگری بعد از ظهور. زندگی به صورت طبیعی و حیات طیبیه به معنی کامل آن پس از ظهور ممکن است. اما اکنون اخلاق باید اخلاق مقاومت و مبارزه باشند. مانند این که یک انسان زندگی معمولش خصوصیات دارد و زندگی مطلوبش در شرایط معمول مختصاتی دارد، اما اگر در زندان باشد مطلوب این است که بتواند مقاومت کند و نشکند. اکنون سلطه با حکومت کفر است و ما در حال مقاومت هستیم. حال در دوران مقاومت خانواده باید چگونه باشد؟ به یک مثال بسنده می‌کنیم. مردم ژاپن می‌گویند ما سه خانه داریم. خانه، شرکت و ژاپن. خانواده باید به گونه‌ای باشد که تحمل این را نداشته باشد که مقام ولایت در مقابل استکبار و جوامع دیگر بده‌کار باشد. اما حیات طیبیه بعد از ظهور واقع می‌شود که نور قرآن و احادیث آنجا نمایان می‌شود. ■

امام راحل و رهبر معظم انقلاب جامعه را در حد حفظ جهت الهی مدیریت فرمودند اما اداره کشور و سازوکارهای برنامه‌ریزی و اجرایی جهت دیگری را پیمود. به هر روی در اداره‌ی اجرایی کشور، ما به سمت منحل شدن در نظام سرمایه‌داری پیش رفتیم. و به صورت طبیعی وضع خانواده نیز تابعی از نظام سرمایه‌داری شد؛ یعنی آن‌چه را که در بخش قبل گفتیم در این‌جا نیز ملاحظه می‌کنیم. نفی اساس خانواده در ذات نظام سرمایه‌داری است. با این تفاوت که ما در آموزش‌های رسمی و غیررسمی به صورت جانبی و فوق برنامه برنامه‌های پرورشی و فرهنگی را تعبیه کردیم و در رسانه برنامه‌ی خانواده ساختیم. جشنواره برگزار کردیم و به برخی تلاش‌گران برای نجات خانواده جایزه دادیم. این اقدامات البته بی‌اثر نبود اما نجات دادن چند نفر در کنار هلاک شدن عموم بود. خانواده بنیاداً مورد تعرض قرار گرفت و اصلاحات جزئی و موضعی و موردی بود.

۴ آیا در ایران هم همان اتفاقی که در غرب افتاد تکرار شد؟

در مورد درصدی از جامعه همان فساد رایج شد. چنانچه امروز بحران عفاف در جامعه همه را نگران کرده است. باید توجه داشت که وضعیت وحشت‌زای حجاب در جامعه و آمار نگران‌کننده فساد کاملاً قابل پیش‌بینی بود. با پذیرفتن الگوی اقتصادی غربی و با اجرای نظام آموزش غربی کاملاً طبیعی است که امکان تأمین نیاز از طریق ازدواج به شدت محدود شود و در بازار آزاد با هزینه‌ی کمتر تأمین شود.

عقل محاسبه‌گری که در این نظام پرورش داده‌ایم لزوماً چنین حکم می‌کند که با هزینه‌ی کمتر نیاز خود را برطرف کن. از طرفی با حاکم شدن شرایط هماهنگ با فحشا طی کردن راه عفاف با هزینه‌ی بالایی که دارد عقلایی نیست. شما اکنون اگر به جای مسافرت با وسایل مرسوم بخواهید از وسایل گذشته استفاده کنید، هزینه‌ی بسیار گزافی باید بپردازید.

بنابراین درصدی از جامعه‌ی ما نیز به تأمین نیاز از طریق فحشا روی آورده است. اما ما درصد بالایی افراد معتقد که با فرهنگ اسلامی انسی دارند در جامعه داریم. در مورد این افراد هم حالات متفاوتی پدید آمده است. درصدی برای حفظ عفاف و به واسطه فراهم نبودن امکان مادی از ازدواج برای همیشه محروم شده‌اند. و عده‌ای نیز در سن بالا موفق به ازدواج می‌شوند. صرف نظر از بالا رفتن کلی میانگین سن ازدواج، فقط بخشی از جامعه می‌توانند در سن معمول فعلی رایج برای ازدواج، ازدواج کنند. مطابق آمار، نسبت ننه چندان کمی از ازدواج‌ها نیز به طلاق منجر می‌شود. باقیمانده‌ی این موارد را با دقت بیشتری باید دید. به واسطه‌ی بالا رفتن سطح انتظارات بر اثر الگوی اقتصادی مورد ترویج، نارضایتی زن و مرد هر دو بالاست. به واسطه‌ی تحصیل و اشتغال، اذن مرد برای خروج از منزل و تمکین زن برای مرد عملاً بی‌معناست. فلسفه‌ی مدیریتی مورد ترویج مشارکت و گفتگوست و ولایت مرد و تبعیت زن نیز در عمل به شدت نفی می‌شود و به جای آن الگوی مشارکت قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی ملاحظه می‌کنیم که صورت ازدواج دائم در عمل ازدواج موقت است. ازدواج دائم در این سیستم محقق نشدنی نیست. توجه دارید که بحث در مورد ساختار و کلیت نظام است و نه اشخاص و موارد نادر. این برنامه‌ریزی برای آموزش و اشتغال و این تعریف از حداقل رفاه و این فلسفه‌ی مدیریت در جامعه، اجازه محقق شدن ازدواج دائم را نمی‌دهد، هر چند صورت قضیه ازدواج دائم است، اما در

دو نگاه

خانواده نقش سلول را برعهده دارد که محل تولید خلق است. این سلول‌ها در قالب مساجد و هیئات تبدیل به اندام می‌شوند. دستگاه فقه حکومتی و اخلاق حکومتی نقش مغز را برعهده دارد و دستگاه ولایت نقش قلب را برعهده دارد که اخلاق را در این پیکر می‌دمد